

جنبش کارگری و دهقانی در خاور



آوتیس میکائیلیان (سلطان زاده)

در این پژوهش وظیفه ما جز این نیست که به ویژه گی‌های جنبش کارگری و ارضی خاور زمین در جزء به پردازیم. با این همه، به منظور تامین رابطه‌ی بین همه ریخت (فرم)‌های جنبش رهایی‌بخش، ناگزیر باید حتا به کوتاهی به روی سرشت مبارزه کارگران در راه رهایی اقتصادی و سیاسی‌شان درنگ ورزیم.

جنبش «تجدید حیات» [خلافت اسلامی]، که موافق محتوای دقیق‌اش، جنبشی ارتجاعی است، و در مرحله‌ی از انقلاب جهانی [پس از جنگ اول] قشرهای بالایی اشرافیت فئودالی و روحانیت جنبش اسلامی را در بر می‌گرفت، در مبارزه بر ضد سرمایه‌داری اروپایی بسیار نیرومند، تنها چون نیرویی کمکی می‌نمود، اما خیزش‌های دهگانی، و اعتصاب‌های کارگری خود آن پرچمی هستند که ایمان به

پیروزی پرولتاریای جهانی را می‌آفرینند و تقویت می‌کنند و پایه‌های جامعه‌ی کمونیستی آینده در خاورمیانه را می‌ریزند.

سرمایه اروپایی، برای تحقق ارزش اضافی، می‌کوشید کشورهای دارای مناسبات فئودالی و پدرسالانه را به میدان مبادلات کالایی و اقتصاد کالایی بکشاند، تلاش می‌کرد آنان را به خریداران فرآورده‌های صنعتی و فروشنده‌گان مواد خام بدل سازد. با قطع یک به یک شاخه‌های تولید خانه‌گی از اقتصاد دهگانی، دستیابی به این هدف میسر افتاد، بدین‌سان، تولید خانه‌گی ثانوی، که در گذشته طی زمان آزاد فارغ از کارهای کشاورزی متحقق می‌شد و کار صنعت‌گرانه لازم برای ارضای نیازهای خود دهگانان، همه به انحطاط گرایید. فرآورده‌های صنایع بومی و صنعت‌گرانه جای خود را به کالاهای ارزان بهای وارداتی ساخت کارخانه سپردند و دهگان به کشاورز صرف، یعنی به خریدار مداوم فرآورده‌های ماشینی و تامین‌کننده فرآورده‌های خویش برای کشورهای سرمایه‌داری، بدل شد.

در چنین اوضاع و احوالی صدها هزار مالک کشاورزی خصوصی، که درآمدی ثانوی نیز داشتند، به ویرانی کشانده شدند، و به دور از امکان رهایی خود از چنگ رباخواران روستایی، زادگاه خود را لعنت‌کنان ترک گفته؛ به دنبال به چنگ آوردن لقمه نانی به خارج از کشور روی می‌آوردند، یا در بهترین حالت به اجاره‌نشینان فاقد زمین زمین‌داران یا همان رباخواران می‌شدند. بدین‌سان بود که کوشنده‌گان جنبش دهگانی در خاور زمین پدید آمد.

از سوی دیگر، سرمایه‌داری جهانی با صدور سرمایه‌های انباشته خود به سرزمین‌های عقب‌مانده خاور زمین، و ایجاد کارخانجات و پرولتاریای اجتناب‌ناپذیر در آن‌جا، پایه‌های جنبش رهایی‌بخش ملی را تقویت کرده، اما در عین حال مبارزه طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریای بومی را تشدید بخشید. جنگ

جهانی و صنعتانیدن سریع کشورهای عقب مانده وابسته به آن، این تضاد را صد چندان کرده، آن‌ها را به تنش افراطی رساند. در زیر ما، ارزیابی کوتاهی از وضع کشورهای مختلف را به دست خواهیم داد.

در هندوستان، همراه با انکشاف سرمایه‌داری، جنبش کارگری نیز رشد یافت. این درست است که این جنبش هنوز گام‌های نخستین خود را بر می‌دارد و هنوز به تجربه عظیم مبارزاتی پرولتاریای اروپای غربی دست نیافته است. مطابق آمار منتشره در ۱۹۱۱، جمعیت شاغل در تولید صنعت گرانه و صنعتی در شاخه‌های گوناگون به شرح زیر تقسیم می‌شد:

تولید	کارگران صنایع دستی	کارگران صنایع مدرن
پارچه بافی	۴۴۴۹۰۰۰	۵۵۸۰۰۰
پوست و چرم	۲۹۵۰۰۰	۱۴۰۰۰
فلزات	۷۳۷۰۰۰	۷۱۰۰۰
چوب	۱۷۳۱۰۰۰	۲۹۰۰۰
سرامیک و کاشی کاری	۱۱۵۹۰۰۰	۴۹۰۰۰
شیمیایی	۶۳۰۰۰۰	۴۶۰۰۰
مواد غذایی	۲۱۳۴۰۰۰	۷۴۰۰۰
ساختمان	۹۶۲۰۰۰	۲۲۰۰۰
کالا‌های لوکس	۸۲۳۰۰۰	۴۶۰۰۰
کار و رفته‌گری	۷۹۶۰۰۰	—
دیگر صنایع	۵۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
جمع	۱۳۷۶۶۰۰۰	۹۲۵۰۰۰

صنعت نساجی پنبه‌یی در مقایسه با همه‌ی دیگر صنایع، مقام اول را داراست، کارهای دستی هندی‌های به طور کلی کیفیت بالایی را دارند. این امر را باید تا حدی ناشی از این دانست که حرفه نساجی_ماشینی تاکنون [در هندوستان] به سختی جا افتاده است. تولید صنعتی البسه نیز دارای وجه تمایزی هنری است. تولید اشیای فلزی و در درجه اول اشیاء فلزی کوفته از تمایزی بسیار هنرمندانه برخوردار است.

این داده‌ها بسیار تاخیر دارند. طی ده سال اخیر هندوستان به کلی دگرسان شده است. آهنگ انکشاف صنعتی آن چنان تند بوده است که هندوستان، پس از ژاپن، صنعتی‌ترین کشور خاور زمین است. در حال حاضر، در مراکز بزرگ، تعداد کارگران صنعتی به پنج میلیون نزدیک می‌شود، رقمی که [در رشته‌های مختلف] به شرح زیر تقسیم می‌شود:

در کارخانجات پنبه‌ریسی، نساجی و نخ‌ریسی در جنوب و مرکز هندوستان بیش از ده هزار تن کار می‌کنند.

بنا بر اهمیت، دومین مقام را تولید چای اشغال می‌کند که تعداد کارگران اش به ۷۰۰ هزار تن بالغ می‌شود. در این جا کشتزارهای چای وجود دارند که بین ۱۵ تا ۲۰ هزار کارگر استخدام می‌کنند. در صنعت کفش که مراکزش در کلکته است، بیش از ۳۰۰ هزار تن کار می‌کنند. در موسسات راه‌آهن، که در مالکیت صرف دولت بریتانیا و سرمایه‌داران بریتانیایی قرار دارند، در حدود ۱۰۰ هزار کارگر وجود دارد، و در کارگاه‌های آن بیش از ۲۰۰ هزار تن به کار مشغول‌اند. در کان‌های زغال‌سنگ که به سرمایه‌داران بومی و خارجی تعلق دارند، در حدود ۵۰۰ هزار تن کار می‌کنند. در صنعت چاپ، در کاغذسازی، فولاد و آهن کوفته، در حدود ۵۰ هزار تن کار می‌کنند، و در صنایع نظامی دولت ۲۵ هزار کارگر مشغول‌اند.

مدت کار، بنا بر پایه «قانون کارخانجات هندوستان» که به سال ۱۸۸۱ برقرار و در سال ۱۹۱۱ در آن تجدید نظر شد و فقط در کارخانجات دارای بیش‌تر از ۵۰ کارگر معتبر است، تنظیم شده است. موافق این قانون، روزانه کار دوازده ساعت برای مردان و یازده ساعت برای زنان است. کودکان بین ۹ تا ۱۴ سال روزی شش ساعت کار می‌کنند. امر دستمزد نیز صرفاً "به سود کارفرما تنظیم شده است. از این رو، وضع کارگر هندی به راستی دهشتناک است. او در برابر ۱۲ ساعت کار شاق روزانه، بین ۱۶ تا ۲۰ روبل (طلا) در ماه دریافت می‌کند. بسیاری از آنان نه صاحب کفش‌اند نه کلاه، البسه آنان بیش از یک پاره لباس مندرسی نیست و جز برنج چیزی نمی‌خورند. با توجه به بهای گزاف تمام کالاها، وضع کارگران به مراتب بدتر از پیش از جنگ است.

بدین‌سان، از سال ۱۹۱۸ تاکنون [۱۹۲۲] به طور متوسط بهای نان ۶۱ درصد و برنج ۵۹ درصد افزایش یافته است. در پاره‌یی از مناطق این افزایش به ۷۵ درصد رسیده است.

وضع کارمندان موسسات صنعتی بهتر نیست. در حالی که کارمندان عالی رتبه تا ۸۰ هزار روپی در سال حقوق دریافت می‌دارند؛ حقوق کارمندان دون پایه به سختی به ۱۲ هزار روپی می‌رسد. اما هندوستان به رغم فقرش، به کارمندان عالی رتبه‌ی خود، که انحصاراً از انگلیسیان‌اند، حقوق گزاف می‌پردازد. پس شگفت‌انگیز نیست که توده‌های کارگری گشسته از سال‌ها پیش به سازمان‌دهی فعالانه اتحادیه‌های کارگری بر ضد استثمار سرمایه‌دارانه اقدام کرده باشند. نخستین اتحادیه‌های کارگری هند به سال ۱۹۱۵ در شهر مدرّس در میان کارگران تراموا به وجود آمدند، و سپس در میان کارگران بافنده‌گی، راه‌آهن و چاپ. اما به زودی یک سلسله اتحادیه‌های دیگر، چون نساجان بمبئی، کارگران صنعتی، کارمندان

پست در تمام شهرها، بار اندازان بنادر، جامعه متحد کارگران مدرّس و بمبئی، اتحادیه کارگران راه آهن بمبئی و راه آهن مرکزی، اتحادیه معلمان، کارگران سلمانی‌ها، و اتحادیه بناها به وجود آمدند.

اعتصاب‌های کارگری در سایه تهدید گرسنه‌گی روز به روز افزایش یافتند. طی شش ماه اول سال ۱۹۲۰، بیش از ۲۰۰ اعتصاب رخ دادند که یک میلیون و نیم کارگر در آنها شرکت جستند. با توجه به ضعف اتحادیه‌های کارگری این اعتصاب‌ها همیشه در اهداف خود موفق نمی‌شدند، اما همواره به موفقیت‌های نسبی دست می‌یافتند. کارگران نساجی در سال ۱۹۲۰ پس از یک ماه اعتصاب، که ۲۰۰ هزار تن در آن شرکت داشتند، روزانه‌ی کار ده ساعته را همراه با افزایش دستمزد معادل ۲۰ تا ۴۰ درصد را کسب کردند، اگر چه مطابق آمار رسمی هزینه زنده‌گی تا ۸۰ درصد افزایش یافته بود.

سرانجام در ۳۱ اکتبر ۱۹۲۰، نخستین کنگره اتحادیه‌های کارگری هندوستان، با شرکت ۴۰ اتحادیه در شهر کلکته برگزار شد. این کنگره سازمانی دائمی پدید آورد که تحت رهبری مرکزی مستقر در بمبئی با شصت کارمند قرار داشت. به همراه انکشاف جنبش کارگری، جنبش دهگانی نیز پیش می‌رفت و در این اواخر تقریباً "به سراسر هند گسترش یافته است. [در این زمان] قسمت اعظم اراضی کشاورزی به بزرگ‌ترین مالکان یا به خود دولت تعلق داشت. این اراضی را به قطعات کوچک به روستانشینان اجاره داده می‌شد. اجاره زمین آن چنان بالا بود که اجاره نشینان کوچک، با محصولی خوب، به سختی می‌توانستند معاش بخور و نمیری را برای خانواده خود تامین کنند. در سال‌هایی که محصول بد می‌شد، امری که در هندوستان عادی است، دهقانان برای این که بتوانند سال بعد هم کشت کنند، ناچار از استقراض بودند. بدین سان دهقانان به رباخواران وابسته می‌شدند و تا آخر عمر فقط برای او کار می‌کردند.

اما این همه‌ی امر نیست. اگر دهگان را میسر شود که چیزی را از چنگال رباخوار نجات دهد، باید آن را به مثابه مالیات به صندوق دستگاه اداری بریتانیا به پردازد.

بار مالیاتی گاه چنان سنگین می‌شود که کل ثمره کار دهگان را در بر می‌گیرد. زمانی دهگانان دهلی و الله‌آباد مناسب‌تر می‌دانستند که زمین خود را در برابر مقدار مالیات تحمیلی به کرایه بدهند یا آن را گرو بگذارند. بر همین زمینه نظام مالیاتی است که رباخواری پدید می‌آید، و در روستای هندی قویاً "مستقر می‌شود و هم چون سرطان سازمان اجتماعی خود را می‌گسترده. انگلیسی‌ها به منظور تسریع این فرآیند، قانونی وضع کردند که بر خلاف تمام ادراک‌های حقوقی از جامعه روستایی بود؛ قانون سلب مالکیت اجباری از صاحبان اراضی، در صورت عدم پرداخت مالیات.

بدین‌سان، انگلستان، نخست اشرافیت زمین‌دار در هندوستان را به زیان حق کهن مالکیت جمعی روستایی به وجود آورد تا بعد بتواند از دهقانان در برابر تعقیب‌کننده‌گان ایشان دفاع کند، و «زمین‌های به ناحق غصب شده» را به سرمایه‌داران انگلیسی واگذار کند.

بدین‌سان بود که در مدت کوتاهی در هندوستان مالکیت بزرگ ارضی پدید آمد و دهقانان در اراضی گسترده‌یی به توده‌های پرولتریزه و اجاره‌نشینان خرده‌پای کوتاه مدت بدل شدند.

دست آخر شیوه‌های ویژه استعمار سرمایه‌دارانه انگلیسیان، بیان خود را در وضعیت مهم دیگری نیز یافت. انگلیسیان نخستین فاتحان هند بودند که نسبت به موسسات فرهنگی جماعتی با ماهیت اقتصادی بی‌اعتنا ماندند. اعراب، افغانان، مغولان پس از فتح هند، به اجرای طرح‌های عظیم ساختمان راه‌های آبی دست

زدند و از آن‌ها حمایت کردند. آنان در سراسر کشور جاده کشیدند، بر روی رودخانه‌ها پل بستند، و به احداث چاه دست زدند. پایه‌گذار سلسله مغولان در هندوستان، تیمور لنگ به امر کشت زمین، آبیاری، امنیت جاده‌ها و اموال مسافران پرداخت. راج‌های بدوی هندوستان، فاتحان افغان، یا مغول، که گه‌گاه نسبت به افراد سخت می‌گرفتند، با این همه نشان حاکمیت خود را در بناهای اعجاب‌انگیز، به جای گذاشتند که هنوز در هر قدم این سرزمین به چشم می‌خورند و به نظر می‌رسند که به دست انسان‌هایی از نژادی بسیار بزرگ ساخته شده باشند. شرکت هندی (شرکت هند شرقی که تا سال ۱۸۸۵ در هندوستان حکومت می‌راند) حتی یک چشمه، یک چاه ن‌کند، یک آبراه یا یک پل برای استفاده هندیان ساخت. جیمز ویلسون می‌گوید: در ایالت مدرّس انسان در مقابل وسایل آبیاری عظیم کهن، که آثارشان هنوز در عصر ما به چشم می‌خورند، انگشت به دهان می‌ماند. سدهایی که بسته شده بودند، دریاچه‌هایی ایجاد می‌کردند که آب آن‌ها توسط آبره‌ها تا ۹۰ یا ۱۰۰ کیلومتری منتقل می‌شد. بر رودخانه‌های بزرگ بین ۳۰ تا ۴۰ سد بسته شده بودند. آب بارانی که از کوهستان‌ها سرازیر می‌شدند، در گودال‌های مجزا جمع می‌شدند که بدین منظور تعبیه شده بودند و محیط دایره چند تا از آنان هنوز بین ۸ تا ۴۰ کیلومتراند. این بناهای عظیم پیش از ۱۷۵۰ میلادی به اتمام رسیدند. در عصر جنگ بین شرکت هند شرقی و پادشاهان مغول و باید افزود که طی تمام دوران حکومت ما در هندوستان، این بناها به ویرانی عظیم در غلتیدند.» و این امر البته قابل فهم است: سرمایه انگلیسی نیازی به حفظ شادابی جامعه هندی و حمایت اقتصادی از آن نداشت. برعکس نیاز داشت که آن را ویران کند و از نیروی تولیدی‌اش محروم گرداند. به این هدف هم دست یافت. میلیون‌ها هکتار اراضی کشاورزی به چنگ مالکان فربه افتادند. و میلیون‌ها دهگان ویران

شده بهروزی خود را در زمین‌های غیرخودی می‌جستند و یا قربانی مرگ و گرسنه‌گی می‌شدند.

جنبش دهگانی در پس زمین و جنبش کارگری در درجه اول برای ادامه حیات جسمانی دست‌اندازی به جیب بارون‌های ارضی (زمین‌داران بزرگ) و صاحبان امتیازات صنعتی در هندوستان و در عین حال به معنی حرکت بر ضد اقتدار بریتانیا در هندوستان به شمار می‌آیند.

در چین مسئله ارضی به شدت هندوستان نبود. درست است که در این جا نیز در این اواخر شاهد تمرکز ارضی در دست مالکان و رباخواران روستایی بوده‌ایم. نزدیک به ۱۵ درصد اهالی روستاها را کارگران روزمزد تشکیل می‌دهند که در وضعیت بسیار سختی برای همین صاحبان ارضی کار می‌کنند. ویژه‌گی ارضی چین عبارت است از اقتصاد خرده‌پای قطعه قطعه‌یی که در سراسر کشور سلطه دارد.

در زمینه جنبش کارگری، چین تا حدی به پیش رفته است. جنگ جهانی صنعتنیدن چین را قویاً افزایش داد و اکنون دیگر تحریم کالاهای ژاپنی، که به رهایی چین از وابسته‌گی صنعتی به ژاپن انجامیده بود، پایان یافته است. بیش‌ترین پیش‌رفت از آن صنعت نساجی بود که اکنون دوره‌یی از انکشاف سریع را می‌گذراند. در شانگهای به تنهایی ۳۲ کارخانه نساجی پنبه وجود دارد که به خارجیان و چینی‌ها تعلق دارد. تعدا چرخ‌های ریسنده‌گی به ۱۲۰۰ بالغ می‌شود و تعداد کارگران آن به ۹۰ هزار می‌رسد. ساعت روزانه‌ی کار برای کارگران نساجی ۱۲ است. برای بافنده‌گان ۱۳/۵ ساعت، میانگین دستمزد کارگر ماهر ۷۵ سنت در روز برای مردان، برای زنان ۵۰ سنت و برای کارگران غیرماهر ۴۰ سنت است. کودکان دستمزدی برابر ۲۰ سنت دریافت می‌کنند.

وضعیت کار در موسسات چاپ کمی بهتر است. در این جا روزانه کار برای زنان و کودکان ۹ ساعت است. اضافه کار نیز به طور مجزا پرداخت می شود. دستمزد کارگران چاپخانه در شانگهای ماهانه ۲۰ تا ۵۰ دلار برای کارگران بسیار ماهر و بین ۱۰ تا ۳۰ دلار برای کارگران عادی، و ۱۰ دلار برای شاگردان کارگر است.

سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۹ شاهد افزایش بهای کالاهای مصرفی بود. بهای مواد غذایی قویاً افزایش یافت. از همین رو وضع مادی کارگران چینی وخیم تر شد. اعتصابهایی صورت گرفت و گرایش به سوی سازماندهی اتحادیه‌های کارگری بیش تر شد، و این امر خود جنبش اعتصابی را تشدید کرد.

اکنون تقویم صنعتی چین می تواند رویدادهای مربوط به یک اعتصاب مهم با شرکت بیش از ۲۰ هزار نفر کارگران معدنچی (زغال سنگ) متعلق به «اداره کوه‌های کیلان» را ثبت کند. این اعتصاب به شهرها نیز گسترش یافت: تانگ‌شان، ماکی یاکو، لیک شیکه، و چادوکوچ وانگ. وضع جدی تلقی شد. کارگران خواستار افزایش دستمزد به مقدار صد در صد برای کسانی شدند که کم تر از ۵۰ سنت در روز دریافت می داشتند. برای کسانی که بیش از ۵۰ سنت در روز دریافت می داشتند، ده درصد اضافه حقوق خواستند. کارفرما این خواست را نپذیرفت. در محل ورودی کارخانه ماموران پلیس مستقر شدند. این چنین اعتصابهایی اکنون در چین نادر نیستند، در هنگ کنگ، شانگهای، در کان‌های زغال سنگ، در **خیلی** روی می دهند. در این دو سه سال گذشته، جنبش کارگری به سراسر چین غربی بسط یافته است و نه تنها کارگران ماهر، که غیر ماهر را نیز در بر گرفته است.

در این دوران اخیر، کارگران به مبارزه اقتصادی بسنده نمی کنند، بل بیش از پیش به نبرد سیاسی کشیده می شوند. اما این مبارزه در دوران نخستین انکشاف

خود، در درجه اول در پی جنبش‌رهای ملی حرکت می‌کند. در همین زمینه، اقدام سازمان‌های لیبرال دانش‌جویی به همراه کارگران در ماه مه ۱۹۲۰ و طی همه نمایش‌های ضد ژاپنی، بیش و پس از این دوران، به ویژه حائز اهمیت‌اند. آنچه که پیرامون ایران و ترکیه گفتنی است این است که جنبش کارگری در این کشورها هنوز از هندوستان و چین ضعیف‌تر است.

وضع جنبش ارضی کاملاً متفاوت است. در ایران دو سوم اراضی قابل کشت در دست مالکان ارضی است. توده‌های دهقانی در وضعیت بسیار دشوار قرار دارند انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۷ به اینان تقریباً چیزی نداد. مالیات‌ها و اخاذی هم‌چنان گذشته ادامه دارند. اگر به خاطر هراس از تهدید دائمی ستم‌گران انگلیسی نبود، جنبش‌های دهگانی تاکنون سراسر کشور را فرا گرفته بود.

توده‌های دهگانی ترکیه نیز در همین وضع قرار دارند. تهدید دائمی دول آنتانت (متحدهان جنگ جهانی اول در برابر آلمان و ترکیه) بر تقسیم و تقلیل مردم ترکیه به برده‌گان، دهگانان ترکیه را به دامن رباخواران و مالکان بومی خودکامه رانده است. تاکنون دولت کمال نه تنها چیزی به دهگانان نداده است، که برعکس جنگ را به مدد دهگانان ادامه داده، از بودجه رفع قحطی برای مبارزه بر ضد امپریالیست‌های انگلیسی استفاده می‌کنند. مادامی که تهدید از خارج رفع نشود، توده‌های زیر ستم در ترکیه و ایران نمی‌توانند به رهایی کامل دست یابند.^{۲۵}

۲۵ - ترجمه از برگردان فرانسه: خسرو شاکری / منبع: اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، آثار آوتیس سلطان‌زاده جلد دوم